

رفیق حسین مؤمنی

سال 60 سال غسل تعمید خونین سازمان ماست و رفیق شهید حسین مؤمنی از جمله رفقائی است که قهرمانانه در این غسل تعمید شرکت جست و در سحرگاه دوم آذر 1360 همراه دو رفیق هم سنگرش، پس از تحمل قهرمانانه شکنجه های قرون وسطائی، بدون این که کوچک ترین اسراری را فاش کند، به جوخه اعدام دژخیمان سپاه گرگان سپرده شد و با وفاداری به آرمان سرخس محکم و استوار جان باخت.

در همان دوران نوجوانی مادر خود را از دست داد و نزد خواهرش در گرگان زندگی می کرد. رفیق که در خانواده ای زحمت کش پرورش یافته بود، با درک دردها و رنج های زحمت کشان، فعالانه در جنبش انقلابی سال های 56-57 شرکت جست. بعد از قیام بهمن و روی کار آمدن فقهای فاشیست مآب، سعی داشت که انرژی خود را در خدمت مردم زحمت کش قرار دهد و از همین روی به شناخت جریان های سیاسی و انقلابی روی آورد و در مسیر شناخت از جریان های انقلابی و کمونیست، سرانجام به " راه کارگر" پیوست و فعالیت انقلابی خود را آغاز نمود. رفیق حسین در مدتی که به عنوان هوادار سازمان فعالیت می کرد، سعی داشت که نظرات و اهداف سازمان را در میان توده ها و بخصوص دوستان جوانش تبلیغ نماید.

رفیق " فرهاد بامیار" از جمله رفقائی است که توسط رفیق حسین جذب سازمان شد و تا آخرین لحظات زندگی خود در کنار رفیق حسین به مبارزه انقلابی خود ادامه داد و همراه وی به جوخه اعدام سپرده شد. رفیق حسین از هیچ اقدامی در جهت پیش برد وظایفش فرو گذار نکرده و در تمامی فعالیتهای تبلیغاتی از پخش و فروش نشریه تا شعار نویسی شرکت کرد. همین کفایت می کرد تا جنایت کاران رژیم اسلامی خواستار مجازات اعدام برای او باشند. بی گمان رفیق حسین با تکیه بر شور انقلابی اش قادر بود با گشوده شدن راه انقلابی و کمونیستی سازمان، افق های وسیع تری از مبارزه انقلابی را در برابرش بگشاید. رفیق از جمله کسانی بود که به خوبی آموخته بود تا هستی خویش را در هستی تشکیلات جاودانه سازد و تا آخرین لحظات عمر کوتاه خود نیز بر این اعتقاد و بر آرمان و حقانیت سازمان خود پای فشرد و با استواری جان خود را تقدیم اهداف والائی نمود که در جهت تحقق شان تلاش کرده بود.